

عضو دفتر رهبر معظم انقلاب:

حضور رهبر معظم انقلاب در جریان جنگ تحمیلی ۱۲اروزه، حماسی و مقتدرانه بود

شهرآرانیوزا مهدی فضائی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ حضور رهبر معظم انقلاب در جمع مردم و در میدان نبرد در جریان جنگ تحمیلی دوازده‌روزه، یک حضور حماسی و مقتدرانه بود. هفتمین دوره از نشست‌های تخصصی «خط روشنگری» که به مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روز ایران می‌پردازد، امروز ظهر با موضوع «جنگ تحمیلی دوازده‌روزه و اثرگذاری فرماندهی کل قوا در مدیریت آن» با سخنرانی مهدی فضائی، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی از سوی اداره پاسخگویی به سؤالات دینی حرم مطهر رضوی ویژه خادمان و کارکنان آستان قدس رضوی در حرم مطهر رضوی برگزار شد.

- دشمن به‌دنبال ساقط‌کردن نظام جمهوری اسلامی ایران بود

عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب اهمیت جنگ تحمیلی دوازده‌روزه ایران و اسرائیل و ابعاد موجود آن گفت؛ برای نخستین نکته موجود در جنگ دوازده‌روزه باید دانست ما بین رژیم صهیونیستی و آمریکا و ترامپ و نتانیاهو تفکیکی قائل نیستیم و در تجربه جنگ دوازده‌روزه، همراهی این اضلاع را دیدیم که کاملاً هماهنگ و متحد عمل کردند. ما در این جنگ صرفاً با رژیم صهیونیستی طرف نبودیم و در ابعاد مختلف ماجرا به‌ویژه بُعد امنیتی، شواهد و قرائنی مبنی بر حضور و پشتیبانی دست‌کم دوازده کشور اروپایی و منطقه غیر از آمریکا و رژیم صهیونیستی وجود دارد.

مهدی فضائی بیان کرد: دشمن صرفاً به قصد یک حرکت ایدایی و زدن ضربه و خارج‌شدن از آن، این جنگ را شروع نکرد. آن‌ها به‌دنبال ساقط‌کردن نظام جمهوری اسلامی ایران بودند و بر اساس شواهد موجود، یک دهه بر روی چنین جنگی فکر کرده بودند و برنامه‌ریزی کلان داشتند. طراحی عملیاتی جنگ دوازده‌روزه نیز از حدود ۹ ماه قبل شروع شده بود، حتی شواهدی وجود دارد که آن‌ها با تصور پیروزی، خواندن سرود فتح را در تهران آماده کرده بودند. اینکه قصد داشتند در یک روز ضمن ترور شخصیت‌ها، بخش‌هایی از فرجا، بسیج، زندان اوین و نقاطی از شهر تهران را بمباران کنند، ناشی از این تصور بود که در طراحی عملیاتی خود تهران را به‌زع‌باطل خود فتح خواهند کرد، اما به‌مدد الهی به هدف خود نرسیدند و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، خداوند این نقشه را نابود کرد و این را باید بدانیم که نصرت الهی در کشور ما وجود دارد.

- نصرت و مدد الهی با انقلاب اسلامی ایران است

فضائی دستاورد‌های جنگ تحمیلی دوازده‌روزه ایران و اسرائیل را به دو دسته داخلی و بین‌الملل تقسیم کرد و گفت؛ نخستین دستاورد جنگ که بسیار مهم است، فهم امداد و نصرت الهی در میدان جنگ است. اگر بفهمیم این نصرت از ناحیه خداست، اولاً مغرور نمی‌شویم، ثانیاً می‌فهمیم مسیری که داریم ادامه می‌دهیم، مورد توجه خداست. این نظام، نظامی نبوده که با وجود طراحی‌های پیچیده‌ای که دشمن به صورت مستمر و بی‌وقفه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است، بتواند بدون نصرت الهی، مقاومت کند. از طرفی مسئولیت ما را سنگین می‌کند که نمی‌توان هر تصمیمی گرفت و باید در مسیر الهی گام برداشت. خداوند در قرآن می‌فرماید «ان تصرفالله بنصرکم»، اگر ما خدا را یاری کنیم، یاری می‌شویم و نصرت الهی را در کنار خود خواهیم داشت.

- حضور حماسی رهبر معظم انقلاب در روز نخست جنگ

عضو دفتر رهبر انقلاب به مدیریت مقام معظم رهبری در جریان جنگ دوازده‌روزه اشاره کرد و گفت: نکته دیگری که در این دوازده روز به‌خوبی قابل مشاهده بود، نقش مهم و محوری رهبر انقلاب در ماجرای جنگ است که نقش مدیریت و راهبری ایشان را می‌توان به‌صورت ملموس در میدان عمل درک کرد. فضائی در این رابطه تشریح کرد: روزاول که اسرائیل حمله کرد، تمام فرماندهانی که می‌توانستند در میدان عمل نقش مستقیم ایفاکنند، در همان لحظات اول شهید شدند. خب شما فکر کنید هر وقتی صبح بیدار شدند و خبر جنگ و شهادت فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای و مردم را شنیدند، چه فشار روانی را تحمل کردند؟ سربازان و جامعه نخبگانی روحیه‌شان تضعیف می‌شود و اگر این موضوع حل نمی‌شد، ضربه شدید روحی بر جامعه وارد می‌شد و این‌ها درحالی بود که رهبر معظم انقلاب به فاصله چند ساعت، فرماندهان جدید را منصوب و تعیین کردند، با مردم همان روزاول صحبت کردند و با صلابت و اقتدار حاضر شدند. پاسخ موشکی ما با مدیریت ایشان شروع شد. وی افزود، حضور رهبر انقلاب در جمع مردم و در میدان نبرد، حضوری حماسی بود. قرار نبود ایشان عزاداری کنند، بلکه شهادت نخبگان و فرماندهان را تبریک گفتند و با آرامش و اعتمادبه‌نفس کامل و بدون ذره‌ای تزلزل، به همه اطمینان دادند که ما تا آخر ایستاده‌ایم و این را دشمن نیز دید و فهمید کشور برای دفاع از خود آماده‌است. فرماندهان بلافاصله منصوب شدند. فرماندهانی که کاملاً به حوزه خود اشراف داشتند و نیروها نیز کاملاً از آن‌ها تبعیت می‌کردند که نشان می‌دهد زیرساخت‌های این تصمیم‌گیری برای رهبری مشخص بوده است و کار به‌گونه‌ای پیش رفت که هیچ کمبودی را نه مردم حس کردند و نه به صورت واقعی اتفاق افتاد، حتی اپوزیسیون خارج از کشور نیز با وجود نقشه‌های روانی که قصد داشتند بر مردم ایجاد کنند، به این موضوع اعتراف کردند که ضربه‌هایشان خنثی شده است و شکست خوردند.

- لزم حفظ انسجام و همدلی مردم

فضائی از دیگر دستاورد‌های مهم جنگ دوازده‌روزه را ظرفیت حضور شگفت‌انگیز مردم و حمایت از رهبر معظم انقلاب و نظام دانست و تأکید کرد، همبستگی و وحدت و انسجامی که ظرفیت‌ها و گروه‌های مختلف مردمی از خود نشان دادند، ازجمله نکات حائزاهمیت است که نباید آن را دست‌کم بگیریم و باید آن را تقویت کنیم. دشمن تصور می‌کردشور‌های خیابانی اتفاق می‌افتد، درحالی‌که وحدت و هم‌بستگی اعجاب‌انگیزی را از سوی مردم مشاهده کردیم. وی ادامه داد: کجا به اهمیت این انسجام مردمی پی می‌بریم؟ آنجا که اگر این انسجام شکل نمی‌گرفت و مردم اعتراض‌ها را بالامی‌بردند، درصوف بنزین خرید اقلام و مایحتاج قرار می‌گرفتند. آن وقت نیروهای نظامی ما با چه روحیه‌ای باید مقابل دشمن می‌ایستادند؟ مادر جریان جنگ دوازده‌روزه، از کسانی که انتظاری از آن‌ها وجود نداشت، دیدیم مقابل دشمن ایستادند و در ایجاد همدلی و وحدت ملی مؤثر بودند. امروز درک این ظرفیت و حفظ این ظرفیت و انسجام فوق‌العاده، مهم است؛ اما گمان نکنید تمام شده‌است. مادر موقعیت عدم قطعیت قرار داریم و این طول‌نهیست که به شرایط پایدار می‌رسیدیم. اگر این مؤلفه‌ها را بین‌برود، دشمن تلاش می‌کند ضربه ناکام خود را دوباره وارد کند. یکی از چیزهایی که این حس و تصور و خیال باطل را از دشمن می‌گیرد، حفظ این انسجام است که با حفظ جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی، ممکن است.

- مفهوم دشمن مثل خورشید برای مردم روشن شد

عضو دفتر رهبر معظم انقلاب همچنین ایراز کرد: یکی از دستاورد‌های مهم جنگ، مفهوم دشمن است. در طول سال‌های گذشته، رهبری بارها در سخنرانی‌هایشان از دشمن با تعابیر و اقدامات مختلف علیه کشور یاد کردند، اما گاهی عده‌ای به این موضوع معترض بودند و می‌گفتند آمریکا با روسیه و چین چه فرقی دارد. شما دارید دشمن‌سازی می‌کنید. اتفاق مهمی که در این جنگ افتاد، این است که مفهوم دشمن مثل خورشید برای مردم و بسیاری افراد دیگر روشن شد. فضائی اضافه کرد: وجود دشمن و فهم آن باعث شد بدانیم نیاز است ما خود را در ابعاد مختلف قوی کنیم. مردم در جریان جنگ متوجه شدند کشور ایران در حوزه نظامی و هسته‌ای قوی است و نیاز به قوی‌شدن دارد. هر مقدار هوشمندی و دقت ما بیشتر شود، دست‌وپای دشمن بسته‌تر می‌شود. وی افزود: یکی از نقاطی که لازم است به تقویت آن بپردازیم، جبهه مقاومت و تربیت نسل جدیدی برای آینده انقلاب اسلامی ایران است. امروز نسل نوجوان و جوان تصور نزدیکی به جنگ و دفاع پیدا کرد و این برای ادامه انقلاب بسیار مهم است. هرچند زمان جنگ کوتاه بود، ولی به‌قدری پرسرعت، پرشتاب و اثرگذار بود که توانست تا حد زیادی، دید نوجوان امروز را تغییر دهد و ما باید از این فرصت و ظرفیت برای نیروسازی بهره بگیریم.

شماره ۱۴

شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۳ ۸ مهر ۱۳۹۳ شماره ۱۴

۱۴



بخش ویژه

غارتگری در لباس باستان‌شناسی

نگاهی به فعالیت‌های باستان‌شناسانه محققان آمریکایی در دوره پهلوی و انتقال اشیای عتیقه به موزه‌های کشور خودشان

گزارش

میراث باستانی ایران در موزه‌های آمریکا و اروپا علاقه‌مندان بسیاری را به‌سوی خود جذب می‌کند. اشیای عتیقه‌ای را که در این موزه‌ها قرار دارد، سال‌ها قبل باستان‌شناسان این کشورها از ایران خارج کرده‌اند. سؤال مهم اینجاست که این آثار ملی کشورمان به چه دلیل از کشور خارج شده است؟ این دزدی آشکار آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی در چه زمانی رخ داده است؟ تا به امروز هیچ‌کدام از این میراث ارزشمند به کشور ما بازنگشته است. آمریکا یکی از کشورهای است که در طول سال‌های ۱۲۰۴ تا ۱۳۲۰ کاوش‌های باستان‌شناسی خود را در چند شهر ایران انجام داد و اشیای عتیقه زیادی را از کشور خارج کرد.

- قاجاری‌ها؛ آغازگران خیانت فرهنگی

در سال ۱۸۸۲ میلادی مارسل آگوست دیالافوآ فرانسوی با حمایت سفارت فرانسه در تهران، امتیاز انحصاری کاوش در محوطه‌های باستانی شوش را از ناصرالدین‌شاه گرفت. در این امتیاز تصریح شده بود که همه جواهرات و نیمی از اشیائی که یافت می‌شود، باید در اختیار دولت ایران قرارگیرد. دیالافوآ و همسرش جین به همراه دو فرانسوی دیگر به نام‌های باین و هوسی به مدت دو سال در شوش به‌کاوش پرداختند و در این مدت، اشیای فراوانی کشف و به پاریس منتقل کردند. مظفرالدین‌شاه در تاریخ ۱۱ آگوست ۱۹۰۰میلادی درحین بازدید پاریس، پیمانی را امضا کرد که براساس آن، حق انحصاری و دائمی کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران به فرانسه اعطا شد. امضاکننده فرانسوی وزیر امور خارجه فرانسه، اس. دلکس بود. در مقدمه این پیمان آمده بود: «نظر به روابط مودت‌آمیزی که از دیرباز میان ایران و فرانسه وجود داشته است و با توجه به قراردادی که بین این دو کشور در تاریخ ۱۶ ذی‌القعدة ۱۳۱۲ (۱۲مه ۱۸۹۵) بسته شده است؛ و نیز با توجه به دست‌خط اعلی حضرت مظفرالدین‌شاه در تاریخ جمادی‌الاول ۱۳۱۵، دولت ایران حق انحصاری و دائمی کاوش در سراسر ایران را به دولت جمهوری فرانسه واگذار می‌کند. ترتیب شرایط کار، تحقیق و مطالعه و اشیای مکشوفه از قرار مذکور در این پیمان است.»

- آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران

باز شدن درهای ایران بر روی باستان‌شناسان آمریکایی در ابتدا مستلزم لغو امتیازی بود که در زمان قاجار به فرانسوی‌ها داده شده بود. دولت آمریکا به‌خاطر نگرانی‌اش در مورد امنیت باستان‌شناسان آمریکایی که به‌دنبال «بهره‌گیری مساوی» از آثار باستانی ایران بودند، در نامه‌نگاری دیپلماتیک به دولت فرانسه برای پایان دادن به امتیاز انحصاری‌اش پیش‌قدم شد. یک دلیل آشکار تسلط آمریکایی‌ها بر ایران در حکومت نوپای پهلوی، تنظیم قانون جدید آثار باستانی ایران به دست هرتسفلد با مشورت آرتور ایهام‌پوپ و فردریش هینکه بود. شخص اخیر، نماینده موزه دانشگاه پنسیلوانیا بود و با هدف اخذ امتیازی در زمینه باستان‌شناسی به ایران آمده بود. این قانون که آشکارا برپایه قانون آثار باستانی مصر نوشته شده بود، در نوامبر ۱۹۲۰ تصویب شد.

دزدگ

امید حسینی‌نژاد خبری، مردم شهر نیشابور را به شوق آورده بود. قرار است کاروان نوه پیامبر(ع) از این شهر عبور کند. مردم از هر گوشه‌ای به استقبال کاروان امام رضا(ع) آمدند. راویان حدیث، قلم و کاغذبه‌دست به نزد امام آمده بودند تا سخنان ایشان را بنویسند. اسحاق بن راهویه یکی از بزرگان اهل سنت که از اندیشمندان آن زمان بود، داستان ورود امام به این شهر را نقل می‌کند و می‌گوید: «هنگامی که ابوالحسن الرضا(ع) به نیشابور رسید و خواست که آنجا را به‌قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، راویان حدیث، گردش را گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا، از پیش‌ما می‌روی و برایمان حدیثی که از محضرشان فیضی ببریم، نمی‌گویی؟ حضرت که در کجاوه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، علی بن الحسین شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابیطالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب شنیدم که می‌فرماید: از رسول

برخی مواد این قانون، بسیار شبیه قانون آثار باستانی عراق بوده‌که یک دهه قبل تصویب شده بود.

بلافاصله پس از تصویب قانون آثار باستانی در نوامبر ۱۹۲۰ موزه‌های آمریکایی به ایران هجوم آوردند. بر اساس اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، انبوه آثار باستانی کشف و به‌سرعت از کشور خارج شد. آن‌گونه‌که سفیر آمریکا، چارلز سی. هارت، اشاره کرده است، آثار پیداشده باعث «دلگرمی بایندگان آمریکایی‌شان شد». نکته قابل توجه سرعت این روند بود. به دامغان و ری «حمله» شد(این واژه را اریک اف. اشمیت، مدیر اجرایی هیئت‌اعزامی مشترک به ایران به‌کار برده است) و این مناطق از محتوای آثار باستانی‌شان تخلیه شدند؛ آثار پیداشده «تقسیم» و سهم موزه‌ها بلافاصله از ایران خارج شد. موضوع قابل توجه دیگر، نبودن طرف ایرانی در روند تقسیم آثار پیداشده بر اساس قانون آثار باستانی بود. براساس مواد قانون، آثار پیداشده باید به‌طور مساوی بین مؤسسات خارجی و دولت ایران تقسیم می‌شد. در انتخاب و تقسیم یافته‌ها، مدیران عملیاتی موزه‌ها در میدان‌های عملیاتی، نماینده موزه‌هایشان بودند.

آمریکایی‌ها همواره به ایران این مسئله را گوشزد می‌کردند که کاوش‌های باستان‌شناسی برای آن‌ها بسیار هزینه‌بر است و تقسیم میراث فرهنگی ایران بر روی باستان‌شناسان آمریکایی در ابتدا مستلزم لغو امتیازی بود که در زمان قاجار به فرانسوی‌ها داده شده بود. دولت آمریکا به‌خاطر نگرانی‌اش در مورد امنیت باستان‌شناسان آمریکایی که به‌دنبال «بهره‌گیری مساوی» از آثار باستانی ایران بودند، در نامه‌نگاری دیپلماتیک به دولت فرانسه برای پایان دادن به امتیاز انحصاری‌اش پیش‌قدم شد.

یک دلیل آشکار تسلط آمریکایی‌ها بر ایران در حکومت نوپای پهلوی، تنظیم قانون جدید آثار باستانی ایران به دست هرتسفلد با مشورت آرتور ایهام‌پوپ و فردریش هینکه بود. شخص اخیر، نماینده موزه دانشگاه پنسیلوانیا بود و با هدف اخذ امتیازی در زمینه باستان‌شناسی به ایران آمده بود. این قانون که آشکارا برپایه قانون آثار باستانی مصر نوشته شده بود، در نوامبر ۱۹۲۰ تصویب شد.

تسامح و تساهل در اندیشه دینی

نگاهی به مقاله «ضروریات اسلام» دکتر سیدحسین مدرسی طباطبایی

خدایا شنیدم که می‌فرماید: از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: از خداوند جل جلاله شنیدم که می‌فرماید: (کلمه) لاله الا... حصار من است و هرکه وارد حصار من شود، از عذابم در امان است. اسحاق می‌گوید: چون شتر به راه افتاد، حضرت با صدای بلند به‌ما فرمود: اما این شرط‌هایی دارد و من از شرط‌های آن هشتم. نقل این حدیث در میان اهل سنت نیشابور که محب فرزند رسول خدا(ص) بودند، بسیار حائز اهمیت است. امام رضا(ع) به نکته‌ای اشاره می‌کنند که ارتباط مستقیمی با توحید دارد. این روایت از زبان پیامبر اکرم(ص) نقل شده است و محتوای آن، نشان‌دهنده نکته‌ای عمیق درباره وحدت میان مذاهب اسلامی است.

دکتر سیدحسین مدرسی طباطبایی، اسلام‌شناس بزرگ دوران ما، در مقاله‌ای به تحلیل این روایت پرداخته است. این مقاله را انتشارات بریل در کتاب Accusations of Unbelief in Islam. A Diachronic Perspective on Takfir منتشر کرده است.

مدیرسید طباطبایی این حدیث را با توجه به ضروریات دین اسلام بررسی کرده است. وی در بخشی از مقاله که به زبان انگلیسی منتشر



آرتورپوپ در کنارطیفیس آتون، هخسره، مصرعقدار

یافته‌ها پاداش اندکی در مقابل تلاش‌های فراوان موزه‌هاست. تحلیل ارقام هزینه‌ها نشان می‌دهد که کل هزینه کاوش‌های باستان‌شناسی در طول سال‌های ۱۹۳۱ تا ۴۰ بین ۵۰هزار تا ۷۵هزار دلار یا حتی رقمی کمتر از این بوده است. سهم مؤسسه شرق‌شناسی از این مبلغ ۱۵۰هزار دلار بوده است. بدین ترتیب به این نتیجه شگفت‌انگیز می‌رسیم که موزه‌های متروپولیتن، موزه‌های زیبای بوستون، دو موزه فیلادلفیا و موزه مؤسسه شرق‌شناسی، مجموعه عظیم آثار باستانی ایران را فقط در ازای نیم‌میلیون دلار صاحب شده‌اند، و انبوه آثار باستانی تخت جمشید موجود در مؤسسه شرق‌شناسی فقط در ازای ۱۵۰هزار دلار به دست آمده است. این ارقام به ما این جرئت را می‌دهد تا با اطمینان، از واژه «تاراج» درباره آثار باستانی ایران استفاده کنیم.

- رقابت برای غارت

دو دسته مختلف از موزه‌ها اجازه کاوش در محوطه‌های متعدد در ایران را داشتند: موزه‌های عادی و موزه‌های دانشگاهی. در دسته اول موزه متروپولیتن نیویورک، موزه هنرهای زیبای بوستون، موزه هنرهای زیبای فیلادلفیا و موزه هنرهای زیبای کانزاس سیت (میسوری) قرار داشتند. رابطه بین موزه‌ها و مؤسسه‌های متعدد، همکاری و رقابت در کنار هم بوده است. برای مثال، اولین هیئت‌اعزامی مشترک با مشارکت موزه دانشگاه پنسیلوانیا و موزه هنرهای زیبای فیلادلفیا تشکیل شد. هیئت‌اعزامی مشترک دو سال در دامغان به‌کاوش پرداخت و پس از اتمام حفاری در دامغان، برای کاوشی پنج‌ساله در ری که مهم‌ترین میدان باستانی در شمال ایران بود، اجازه گرفت. در ری هیئت‌اعزامی مشترک با موزه هنرهای زیبای بوستون به همکاری پرداخت.

در سال ۱۹۲۷ گروه بوستون پنسیلوانیا با موزه شیکاگو در کاوش‌های تخت جمشید همکاری کردند. فقط موزه متروپولیتن نیازی نمی‌دید که با موزه‌های دیگر همکاری کند و به‌تنهایی به مدت ده سال در تخت ابونصر در فارس و نیشابور در خراسان به‌کاوش پرداخت. آن‌گونه که دارایی‌های متروپولیتن از گنجینه‌های ساسانی و اسلامی نشان می‌دهند، نتایج کاوش‌ها حیرت‌آور است. کشفیات

تخت جمشید به تعبیر جیمز هنری بریستد، خاورشناس معروف آمریکایی و مدیر مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، بخشی از «بزرگ‌ترین کشفیات تمام دوران‌ها» است.

- فعالیت‌های باستان‌شناسانه آرتور پوپ

در دوم اردیبهشت ۱۳۰۴ سخنرانی مهمی در «تالار باشکوه خانه جعفرقلی‌خان بختیاری (سردار اسعد)» ایراد شد؛ سخنرانی‌ای که سرنوشت میراث فرهنگی این مرزوبوم را برای همیشه دگرگون کرد و آن را از بی‌سامانی محض چندین‌ساله‌رهایی بخشید؛ هرچند که این سامان‌یافتگی به تعبیر برخی پژوهشگران چندان هم کارشنااسانه نبود. سخنران کسی نبود جز آرتور پوپ، ایران‌شناس آمریکایی. وی که در اواخر فروردین به عنوان رایزن مؤسسه هنری شیکاگو به ایران آمده بود تا آثار باستانی این سرزمین را از نزدیک مشاهده کند، به‌دعوت حسین‌علاء-نماینده مجلس شورای ملی که قبلاً وزیرمختار آمریکا در ایران بود و با وی سابقه دوستی داشت- در میان چهره‌های شاخص سیاسی و فرهنگی ایران به سخنرانی در باب هنر این مرزوبوم پرداخت: از بزرگ‌ترین رجال دولت و مجلس و از آمریکاییان برجسته حاضر در تهران دعوت شد که در این سخنرانی شرکت‌کنند.

پوپ از ۱۹۲۵ به بعد، به‌عنوان مشاور افتخاری هنرهای ایرانی در خدمت دولت ایران فعالیت می‌کرد. وی همچنین به‌عنوان مشاور هنر ایرانی موزه پنسیلوانیا انتخاب شد. او از سال ۱۹۲۵ سرپرستی بیست هیئت‌اعزامی علمی در ایران را به‌عهده داشت. در سال ۱۹۳۵ بیش از ۲۰هزار لوح گل‌نشته مربوط به دوران ایلامی که در حفاریات منطقه تخت جمشید(پارسه) به‌دست آمده بودند، به درخواست بنگاه دانشگاه شیکاگو به رسم امانت و به‌طور موقت به آن بنگاه سپرده شدند و به آمریکا انتقال یافتند. بر این اساس، مقرر می‌شود پس از انجام مطالعات و پژوهش‌های لازم، این الواح که جزو موارث فرهنگی مردم ایران به‌شمار می‌رفتند، به ایران بازگردانده شوند. متأسفانه با وجود قرارهای اولیه، این الواح به دلایل و بهانه‌های گوناگون در دانشگاه شیکاگو باقی ماندند و مسئولان مربوط تاکنون از بازگرداندن این امانت به صاحبان اصلی آن استکفاف ورزیده‌اند.

پوپ در مدت اقامت و حضور خود در ایران، اقدام به خارج کردن آثار ارزشمندی از کشورمان کرد که خروج این آثار با کمک سفارت آمریکا در ایران و از طریق ارسال بسته‌های دیپلماتیک انجام می‌شد. دزدی‌های باند پوپ در ایران به قدری واضح بود که یکی از مهندسان معماری آمریکایی به نام مایرون اسمیت به‌دزیده‌شدن محرابی هزارویسصدساله در مدرسه‌ای مذهبی در اصفهان و فروختن آن به موزه هنر متروپولین نیویورک توسط پوپ و باندش اشاره می‌کند: «در طول چند سال گذشته پوپ و دستارانش با آنچه به نظر می‌آمد تحقیقات علمی در مورد منشأ محرابی مهم است-که به‌تازگی به تملک موزه متروپولیتن درآمده- به‌شدت فضای گسترده‌ای برای جولان داده‌اند. مقامات ایرانی و بازاریان هم می‌دانند که این محراب را دلال عتیقه‌ای بدنام به نام رابنوبه دستور پوپ از مدرسه امامیه اصفهان دزیده‌است.»

با وجود دزدی‌های فراوان پوپ در ایران و در کمال تعجب، رضاشاه در سال ۱۹۳۱ از او و در سال ۱۹۳۵ از همسرش با اعطای مدال ویژه‌ای به‌خاطر خدماتشان در زمینه حفظ بقایای آثار تاریخی ایران، تقدیرکرد.

سلسله‌راویان حدیث را که همان پدرانش بودند، نقل کردند و با نقل این حدیث، بر حق علی(ع) و فرزندان علی(ع) بر امانت تأکید کردند.» در آن دوره که به‌راحتی مسلمانان به تکفیرهریک از مذاهب می‌پرداختند، این بیان امام رضا(ع) نشان‌دهنده آن است که هرگروه‌ی نمی‌تواند باتکیه بر اعتقادات خود، مسلمان دیگری را تکفیر کند. درون‌مایه این روایت، سراسر حس انسان‌دوستی و احترام به اعتقادات مذهبی است. در دوره معاصر، مسئله تکفیر یکی از مشکلات مهم جامعه اسلامی است. داعشیان در سرزمین‌های اسلامی به‌دنبال آن هستند که به بقیه بقبولاند تنها اعتقاد خودشان به مفاهیم اسلامی صحیح است و همه گروه‌های مذهبی اسلامی حتی اهل سنت را نیز تکفیر می‌کنند. امام رضا(ع) در این حدیث شریف به‌ما نشان دادند که به‌راحتی نمی‌توان مسلمانان را از دایره اسلام خارج و به او هتک حرمت کرد.

داعشیان در سرزمین‌های اسلامی به‌دنبال آن هستند که به بقیه بقبولاند تنها اعتقاد خودشان به مفاهیم اسلامی صحیح است و همه گروه‌های مذهبی اسلامی حتی اهل سنت را نیز تکفیر می‌کنند. امام رضا(ع) در این حدیث شریف به‌ما نشان دادند که به‌راحتی نمی‌توان مسلمانان را از دایره اسلام خارج و به او هتک حرمت کرد. فقیهان شیعی در طول تاریخ اسلام بر آن بودند که مسلمانان با وجود اختلافات مذهبی، با رعایت موازین انسانی، در کنار هم به زندگی خود ادامه دهند و تنها راه بحث در اعتقادات دینی، گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز در چارچوب موازین اسلامی و قرآنی است.

